

مجموعه رسائل عرفانی و فلسفی

حکیم متآله و عارف ربانی
آیت الله
شیخ محمد حسین فاضل تونی رحمته الله

فاضل تونی، محمد حسین، ۱۲۵۹ - ۱۳۳۹.
مجموعه رسائل عرفانی و فلسفی / تألیف محمد حسین
فاضل تونی. - قم: مطبوعات دینی، ۱۳۸۶.
۴۷۵ ص.

ISBN: 964-8818-59-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات لیا.
کتابنامه بصورت زیر نویس.

۱. فلسفه اسلامی - مجموعه ها. ۲. عرفان - مجموعه ها.
۲. فلسفه اسلامی - متون قدیمی تا قرن ۱۴ - نقد و تفسیر.
الف. عنوان.

۱۸۹/

BBR۱۴۰۶ / ۲۳ ف

۱۳۸۶



مطبوعات دینی

قم، خیابان ارم، شماره ۲۸۵

تلفن: ۷۷۴۲۸۴۷ - ۲۵۱۰

مرکز پخش: کتابسرای اشراق

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، شماره ۸۶

تلفن: ۷۷۴۴۶۵۰ - ۲۵۱۰

www.eshraqco.com

مجموعه رسائل عرفانی و فلسفی

علامه محمد حسین فاضل تونی

تصحیح و بازنگری: مجید دستیاری

تحقیق: وحید روح اله پور

مترجم رساله مراتب الخمس: حمید یارسانیا

ویراستاری ادبی و مفهومی: محمود نجفی

• چاپ: طه (ص) • لیتوگرافی: سجاد • شمارگان: دو هزار جلد • نوبت چاپ: اول، زمستان ۸۶

ISBN: 964-8818-59-2

شابکد: ۹۶۴ - ۸۸۱۸ - ۵۹ - ۲

قیمت: ۳۷۵۰۰ ریال

فهرست اجمالی

- (۱) تعلیقه بر شرح فصوص الحکم ۳۹
- (۲) رساله فی المراتب الخمس ۱۱۵
- (۳) مراتب خمس و علم مخزون الهی ۱۲۷
- (۴) اہیات ۱۴۷
- (۵) حکمت قدیم ۲۴۹
- (۶) منطق ۳۵۳
- (۷) غایہا ۴۲۹

فهرست مطالب

مقدمه ناشر ۲۹

[۱]

تعليقه بر شرح فصوص الحكم

۳۹-۱۱۴

آثار محي الدين ۴۴

فصل اول ۴۷

بحث اول: «إِنَّ الوجود هو الحق» ۴۷

بحث دوم: «وَلأنّه مأخوذ في تعريفهما» ۴۹

بحث سوم: «وكون الحقيقة بشرط الشركة أمراً عقلياً...» ۴۹

بحث چهارم: «فلا واسطة بينه وبين العدم» ۵۰

بحث پنجم: «و لا ضلّ له و لا مثل» ۵۱

بحث ششم: «بل هو الذي يظهر بصورة الضدين» ۵۱

بحث هفتم: «و يلزم منه الجمع بين النقيضين» ۵۲

بحث هشتم: «فيصير تابعاً للذوات لأنّها» ۵۵

بحث نهم: «و هو حقيقة واحدة» ۵۵

بحث دهم: «و هو يدرك حقائق الأشياء بما يدرك به حقيقة ذاته...» ۵۶

بحث یازدهم: «الوجود واجب لذاته، إذ لو كان ممكناً لكان له علّة» ۵۷

بحث دوازدهم: «و تعلق الشيء بنفسه، لا يخرجّه عن كونه أمراً حقيقياً» ۵۸

بحث سیزدهم: «فإن قلت: الوجوب نسبة تعرض للشيء نظراً إلى الوجود الخارجي» ۵۸

بحث چهاردهم: «فإن قلت: الوجود من حيث هو [هو] كلّی طبعی» ۵۹

بحث پانزدهم: «تفريع: و إذا لم يكن للوجود أفراد حقيقية مغايرة لحقيقة الوجود» ۶۰

بحث شانزدهم: «قد مرّ أنّ كلّ كمال يلحق الأشياء بواسطة الوجود» ۶۲

٦٤	فصل دؤم
٦٤	بحث أوّل: «قال بعض الحكماء [من المتأخرين]: إن علمه تعالى بذاته...»
٦٤	بحث دؤم: «فإن قلت: علمه بذاته مغاير لعلمه بمغلولاته...»
٦٥	بحث سؤم: «لو كونه صفة ذا إضافة أو إضافة محضة في بعض الصور...»
٦٥	بحث چهارم: «والقول باستحالة أن يكون ذاته تعالى...»
٦٧	بحث پنجم: «فنفس الأمر عبارة عن العلم الذاتي الحاوي لصور الأشياء كلها...»
٦٨	بحث ششم: «لو جعل بعض العارفين العقل الأوّل عبارة عن نفس الأمر حقّ...»
٦٨	بحث هفتم: «لو لا يعلم حقيقة العلم [و كيفية تعلّقه بالمعلومات] إلّا الله...»
٦٨	فصل سؤم
٦٨	بحث أوّل: «في الأعيان الثابتة...»
٧١	بحث دؤم: «والأعيان بحسب إمكان وجودها في الخارج و امتناعها...»
٧٣	بحث سؤم: «والعالم الشهادة مظهر الاسم الظاهر المطلق والآخر من وجه...»
٧٣	بحث چهارم: در تنبيه أوّل: «لو كانت كذلك لكانت الممتنعات أيضاً مجعولة...»
٧٣	بحث پنجم: «اعلم أن للأعيان الثابتة اعتبارين...»
٧٥	بحث ششم: «الماهيات كلها وجودات خاصّة علميّة...»
٧٦	بحث هفتم: «والحق ما مرّ من أن الوجود يتجلّى...»
٧٦	بحث هشتم: «فينا بطريق الانعكاس من المبادي العاليّة...»
٧٨	بحث نهم: «والأعيان من حيث تعيّناتها العدميّة...»
٧٩	فصل چهارم
٧٩	بحث أوّل: «في الجوهر والعرض...»
٨٢	بحث دؤم: «والجوهر لا جنس له...»
٨٢	بحث سؤم: «اعلم أن الممكنات منحصرة في الجواهر والأعراض...»
٨٤	بحث چهارم: «لا يقال: لم لا يجوز أن يكون الجوهر عرضاً عاماً لها...»
٨٤	بحث پنجم: «و أيضاً لو كانت الطبيعة الجوهرية...»
٨٤	بحث ششم: «و أيضاً إن كانت تلك الطبيعة موجودة بوجود غير وجود أفرادها...»
٨٥	بحث هفتم: «و لكان انعدام الطبيعة الجوهرية...»
٨٥	بحث هشتم: «لا يقال: لو كانت الأعيان الجوهرية مختلفة بالأعراض المعيّنة لها...»
٨٧	بحث نهم: «في الوجود والإمكان والامتناع...»

فصل پنجم.....	۸۹
بحث اول: «في بيان العوالم الكلية».....	۸۹
بحث دوم: «و من هذا الوجه».....	۸۹
بحث سوم: «و أول الحضرات الكلية حضرة الغيب المطلق».....	۹۰
بحث چهارم: «يجب أن يعلم أن هذه العوالم».....	۹۰
بحث پنجم: «و لا يتوهم أن الصور التي يشتمل العقل الأول...».....	۹۲
بحث ششم: «و التميز العقلي بين العالم و المعلوم لا ينافي الوحدة في الوجود».....	۹۵
بحث هفتم: «بل هي عينه من وجه».....	۹۵
بحث هشتم: «و ما حجه [عنها] إلا النشأة العنصرية».....	۹۵
بحث نهم: «و علمه أيضاً فعلى من وجه و هو من حيث مرتبته و...».....	۹۶
فصل ششم.....	۹۶
بحث اول: «فيما يتعلق بالعالم المثالي».....	۹۶
بحث دوم: «اللهم إلا أن يقال أنه جسم نوري».....	۹۸
بحث سوم: «ولكل من الموجودات التي في عالم الملائكة».....	۹۹
فصل هفتم.....	۱۰۰
بحث اول: «و اصطلاحاً هو الاطلاع على ما وراء الحجاب...».....	۱۰۰
بحث دوم: «و إن كان الظاهر معنى من المعاني الغيبية لا حقيقة من الحقائق».....	۱۰۲
بحث سوم: «و سنشير إلى تحقيق هذه المراتب».....	۱۰۲
فصل هشتم.....	۱۰۳
بحث اول: «في أن العالم هو صورة الحقيقة الإنسانية».....	۱۰۳
بحث دوم: «أنا نقطة باء بسم الله».....	۱۰۴
بحث سوم: «عند سؤال الأعرابي: أين كان ربنا قبل أن يخلق الخلق...».....	۱۰۵
فصل نهم.....	۱۰۶
بحث اول: «قوله: خصصت بفاتحة الكتاب».....	۱۰۶
بحث دوم: «فجمع عوالم الأجسام والأرواح كلها».....	۱۰۶
بحث سوم: «فتنزل أيضاً كماله كما أن عروجه إلى مقامه الأصلي كماله...».....	۱۰۶
بحث چهارم: «ولما كانت [هذه] الخلافة واجبة من الله تعالى في العالم».....	۱۰۸

١٠٩	بحث پنجم: «و جعل بعضهم الموت الارادي مسمى بالقيامة الوسطى...»
١١٠	بحث ششم: «و ظهور الوحدة التامة و انقهار الكثرة»
١١١	فصل دهم
١١١	بحث اول: «اعلم أن الروح من حيث جوهره و تجزّده...»
١١٢	فصل دوازدهم
١١٢	بحث اول: «فباطن النبوة الولاية و هي تنقسم بالعامّة و الخاصّة»

[٢]

رسالة في المراتب الخمس

١١٥-١٢٦

[٣]

مراتب خمس و علم مخزون الهی

١٢٧-١٤٦

١٢٩	مقدمه مترجم
١٣٣	مراتب خمس و علم مخزون الهی

[٤]

الهیات

١٤٧-٢٤٨

١٤٩	تعريف و موضوع و فایده الهیات
١٤٩	مقصد اول
١٤٩	امور عامه
١٥٠	بحث اول: در وجود و عدم
١٥٣	اقسام وجود
١٥٣	بحث دوم: اصالت وجود یا ماهیت
١٥٤	الف - دلائل اصالت وجود
١٥٧	ب - دلائل اصالت ماهیت
١٥٩	بحث سوم: اشتراك معنوی مفهوم وجود
١٦١	وحدت تشکیکی حقیقت وجود

۱۶۲	 بحث چهارم: زیادتی وجود بر ماهیت
۱۶۳	 دلیل حکما بر زیادتی وجود بر ماهیت
۱۶۴	 بحث پنجم: وجود ذهنی
۱۶۴	 دلایل وجود ذهنی
۱۶۵	 اعتراضات بر وجود ذهنی
۱۶۶	 پاسخ فخر رازی و نقد آن
۱۶۷	 پاسخ بعضی قداما و نقد آن
۱۶۷	 پاسخ ملاً علی قوشجی و نقد آن
۱۶۹	 بحث ششم: در ماهیت
۱۷۰	 بحث هفتم: وجوب و امکان و امتناع
۱۷۰	 اقسام وجوب و امتناع
۱۷۱	 بحث هشتم: خواص واجب تعالی
۱۷۲	 واجب الوجود ماهیت ندارد
۱۷۴	 اعتراضات فخر رازی بر حکما
۱۷۵	 بحث نهم: دلایل توحید
۱۷۷	 شبهه ابن کمونه
۱۷۸	 جواب شبهه ابن کمونه
۱۷۹	 برهان تمناع
۱۷۹	 برهان فرجه
۱۸۱	 واجب الوجود بالذات، واجب الوجود من جمیع الجهات است
۱۸۲	 بحث دهم: خواص ممکن
۱۸۲	 ممکن نیازمند علت است
۱۸۴	 ممکن در حدوث و بقا نیازمند علت است
۱۸۵	 بحث یازدهم: علت و معلول
۱۸۵	 اقسام علل
۱۸۶	 اقسام معلول
۱۸۶	 ارتباط و مناسبات میان علل

۱۸۷	احکام مشترک بین علل اربع
۱۹۰	بحث دوازدهم: احکام مختص به فاعل
۱۹۲	بطلان دور و تسلسل
۱۹۲	اقسام دور
۱۹۳	دلیل حکما بر ابطال تسلسل
۱۹۵	در بیان الواحد لا یصدر منه الا الواحد
۱۹۷	عکس قاعدة الواحد
۱۹۷	بحث سیزدهم: قدم و حدوث
۱۹۸	اقسام سبق
۲۰۱	بحث چهاردهم: اثبات واجب الوجود
۲۰۴	براهین حکما
۲۰۴	برهان محرک اول
۲۰۵	دلیل دیگر حکما
۲۰۵	برهان امکان و وجوب
۲۰۶	برهان حدوث نفس
۲۰۶	برهان ترکیب جسم
۲۰۶	برهان خصوصیات اجسام
۲۰۷	برهان متکلمین
۲۰۷	برهان حدوث
۲۰۷	مبحث پانزدهم: در صفات واجب الوجود
۲۰۹	صفات واجب عین ذات است
۲۰۹	برهان حکما بر اینکه صفات واجب عین ذات او است
۲۱۰	تقسیم صفات ثبوتیه
۲۱۱	اراده
۲۱۲	اختیار
۲۱۲	دلیل حکما بر قدرت و اختیار
۲۱۳	علم خداوند

۲۱۸	اثبات علم واجب
۲۲۰	صفات دیگر واجب: حیات، سمع و بصر، تکلم
۲۲۱	تکمله اول: جعل
۲۲۱	دلیل حکما بر معمولیت وجود
۲۲۳	تکمله ثانی: مقولات عشر یا قاطیغوریاس
۲۲۴	اقسام جوهر
۲۲۵	اقسام عرض
۲۲۵	مقولات نه گانه
۲۳۱	تکمله ثالث: شرح حال و مشرب فلسفی ملاصدرا
۲۳۱	اساتید ملاصدرا
۲۳۱	الف - میرداماد
۲۳۳	ب - شیخ بهایی
۲۳۴	ترجمه احوال ملاصدرا
۲۳۷	مقام ملاصدرا و مشرب فلسفی او
۲۳۸	اصالت وجود
۲۳۹	حرکت جوهری
۲۴۰	اثبات معاد جسمانی
۲۴۰	آثار و تألیفات ملاصدرا
۲۴۴	شاگردان ملاصدرا
۲۴۴	الف - ملا عبدالرزاق لاهیجی
۲۴۵	ب - ملا محسن فیض

[۵]

حکمت قدیم

۲۴۹-۳۵۲

۲۵۱	مقدمه
۲۵۲	تعریف فلسفه

۲۵۳	 اقسام حکمت
۲۵۳	 اقسام حکمت نظری
۲۵۴	 اقسام حکمت عملی
۲۵۵	 مبحث اول طبیعیات
۲۵۵	 فصل اول: تعریف جسم و اقسام آن
۲۵۶	 اقسام جسم طبیعی
۲۵۷	 ادله متکلمین بر مذهب خود
۲۵۸	 فصل دوم: دلایل حکما بر ابطال جزء لا یتجزی
۲۶۳	 فصل سوم: ادله مخصوص به ابطال قول نظام و ذیمقراطیس
۲۶۶	 فصل چهارم: هیولا و اثبات آن
۲۶۷	 برهان فصل و وصل و مقدمات آن
۲۶۹	 برهان قوه و فعل
۲۶۹	 اقسام هیولا
۲۷۰	 فصل پنجم: صورت نوعیه
۲۷۱	 فصل ششم: تناهی ابعاد
۲۷۱	 ادله حکما بر اثبات تناهی ابعاد
۲۷۲	 اقسام دور
۲۷۳	 دلیل حکما بر ابطال تسلسل
۲۷۵	 [برهان تطبیق]
۲۷۶	 برهان سلمی
۲۷۷	 برهان مسامته و موازات
۲۷۸	 برهان ترسی
۲۷۹	 فصل هفتم: تلازم هیولا و صورت
۲۸۱	 مبحث دوم عوارض جسم طبیعی
۲۸۱	 فصل اول: مکان
۲۸۲	 فصل دوم: دلایل منکرین مکان
۲۸۵	 ادله مثبتین مکان

۲۸۶	فصل سوّم: اختلاف در ماهیت مکان
۲۹۱	فصل چهارم: خلأ
۲۹۱	دلیل امتناع خلأ
۲۹۲	نقد دلایل حکما و پاسخ آنها
۲۹۵	ادله کسانی که می‌گویند خلأ ممکن است
۲۹۵	فصل پنجم: حرکت
۲۹۷	فصل ششم: اقسام حرکت
۲۹۹	تعلیق حرکت
۲۹۹	فصل هفتم: تقسیم حرکت از جهت مسافت و حرکت در مقولات
۳۰۰	معنای حرکت در مقوله
۳۰۳	فصل هشتم: حرکت جوهری
۳۰۴	حرکت در کم
۳۰۵	دلایل حسی حکما بر تخلخل و تکائف
۳۰۶	تمه
۳۰۷	فصل نهم: اقسام حرکت
۳۰۸	فصل دهم: تقسیم حرکت از جهت محرک
۳۰۹	سکون
۳۱۰	عقیده زنون درباره حرکت
۳۱۱	فصل یازدهم: زمان
۳۱۲	فصل دوازدهم: دلایل منکرین زمان
۳۱۳	اقسام تقدم
۳۱۴	ادله مثبتین زمان و جواب از قول اشاعره
۳۱۴	نظریه افلاطون
۳۱۵	نقد نظریه افلاطون
۳۱۵	نظریه واجب الوجود بودن زمان و نقد آن
۳۱۵	نظریه جوهریت زمان و نقد آن
۳۱۶	نظریه حرکت بودن زمان و نقد آن

۳۱۷	نظریه گردش فلک الافلاک بودن زمان و نقد آن
۳۱۷	نظریه مقداری بودن زمان و نقد آن
۳۱۸	فصل سیزدهم: قول صحیح درباره زمان
۳۱۹	دلیل طبیعیون بر زمان
۳۲۲	مبحث سوم نفس
۳۲۲	فصل اول: در تعریف نفس و اقسام آن
۳۲۳	تعریف نفوس
۳۲۴	قوای نفس نباتی
۳۲۵	فصل دوم: قوای نفس حیوانی
۳۲۵	قوای حواس ظاهره
۳۲۹	در کیفیت ابصار
۳۳۰	فصل سوم: قوا و حواس باطنه
۳۳۰	اول حس مشترک
۳۳۱	دوم خیال
۳۳۲	سوم قوه وهم یا واهمه
۳۳۲	چهارم قوه حافظه
۳۳۳	پنجم قوه متصرفه
۳۳۳	قوای محرکه حیوانی
۳۳۴	فصل چهارم: نفس انسانی
۳۳۵	دلایل مغایرت نفس با بدن
۳۳۶	دلایل تجرد نفس
۳۳۹	قوای نفس انسانی
۳۴۰	مراتب عقل نظری
۳۴۲	مراتب قوه عقل عملی
۳۴۲	مراتب فناء
۳۴۴	بقای نفس و فنا ناپذیری آن
۳۴۵	حدوث و قدم نفس

۳۴۶		دلیل حدوث نفس
۳۴۶		دلایل قدم نفس
۳۴۸		تناسخ و ابطال آن
۳۴۸		اقسام تناسخ
۳۴۹		دلایل امتناع تناسخ انفصالی
۳۵۰		قائلین به تناسخ

[۶]

منطق

۳۵۳-۴۲۷

۳۵۵		مقدمه
۳۵۵		تعریف منطق
۳۵۶		علم اصالی و آلی
۳۵۶		فایده و موضوع علم منطق
۳۵۶		فایده منطق
۳۵۶		موضوع منطق
۳۵۷		لفظ منطق
۳۵۷		واضع منطق
۳۵۸		ابواب منطق
۳۵۸		رؤوس ثمانیه
۳۵۹		اقسام علم
۳۶۰		تصدیق از دیدگاه فخر رازی و حکما
۳۶۲		معرف، حجّت، دلالت
۳۶۳		اقسام دلالت
۳۶۴		مطابقه، تضمّن، التزام
۳۶۴		نسبت دلالات به یکدیگر
۳۶۵		اقسام لفظ

۳۶۵		اقسام مرکب
۳۶۶		مفهوم، مدلول، معنا
۳۶۷		اقسام کلی
۳۶۸		اقسام جزئی
۳۶۸		اقسام لفظ مفرد
۳۶۹		اقسام مشترک
۳۶۹		نسب اربع
۳۷۰		کلیات خمس
۳۷۰		تعریف ذاتی و عرضی
۳۷۱		علایم ذاتی
۳۷۱		مفهوم، ماهیت، حقیقت و ذات
۳۷۲		بحث در کلیات خمس یا ایساغوجی
۳۷۳		نوع
۳۷۳		اقسام نوع
۳۷۳		نوع حقیقی و نوع اضافی
۳۷۴		جنس
۳۷۴		اقسام جنس
۳۷۴		جنس قریب و جنس بعید
۳۷۶		فصل
۳۷۶		اقسام فصل
۳۷۶		فصل قریب و فصل بعید
۳۷۶		نسبت فصل به نوع و جنس
۳۷۸		اقسام عرضیات
۳۷۸		تقسیم عرضیات
۳۷۸		عرض لازم و مفارق
۳۷۹		لازم بین و غیر بین
۳۷۹		تکمله

۳۸۰		اقسام کلی
۳۸۰		کلی طبیعی، منطقی، عقلی
۳۸۰		آیا کلی طبیعی موجود است؟
۳۸۱		تفاوت‌های کل و کلی
۳۸۱		حد و رسم
۳۸۲		حدّ
۳۸۲		حدّ تام و ناقص
۳۸۲		رسم
۳۸۲		رسم تام و ناقص
۳۸۲		شرایط معرّف
۳۸۴		باب قضایا
۳۸۴		اقسام قضایا
۳۸۴		قضایای حملیه و شرطیه
۳۸۵		اقسام قضیه شرطیه
۳۸۵		اقسام قضیه متصله
۳۸۶		اقسام قضیه منفصله
۳۸۷		تقسیم دیگر از حملیه
۳۸۸		تقسیم دیگر حمل
۳۸۸		اجزاء قضیه
۳۸۹		تقسیم قضیه از جهت اجزاء
۳۸۹		تقسیم قضیه از جهت موضوع
۳۹۱		تقسیم قضیه به اعتبار محمول
۳۹۴		تقسیم قضیه به اعتبار نسبت
۳۹۴		قضیه موجه و مطلقه
۳۹۵		اقسام قضیه ضروریه
۳۹۷		اقسام قضیه ممکنه
۳۹۸		تناقض

۳۹۹	شرایط تناقض
۴۰۰	عکس
۴۰۰	عکس مستوی و عکس نقیض
۴۰۲	باب حجّت
۴۰۳	اقسام حجّت
۴۰۴	قیاس و شرح آن
۴۰۵	اقسام قیاس
۴۰۶	صورت قیاس (اشکال چهارگانه)
۴۰۸	شرایط اشکال
۴۱۵	شرح قیاس استثنایی
۴۱۷	تقسیم دیگر قیاس
۴۱۸	اقسام استقراء
۴۱۹	راه اثبات تمثیل
۴۲۰	ماده قیاس
۴۲۱	صناعات خمس
۴۲۴	برهان
۴۲۴	ما شارحه و ما حقیقه
۴۲۴	هل بسیطه و هل مرکبه
۴۲۵	لم ثبوتی و لم اثباتی
۴۲۵	شرح برهان

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه ناشر

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على خير خلقه محمد ﷺ خاتم النبيين وعترته الطاهرين القديسين المعصومين ﷺ، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين. حكيم متأله واديب گرانمايه، مرحوم علامه شيخ محمد حسين بن عبدالعظيم، مشهور به فاضل تونی ﷺ از حکمای نام‌آور و اساتيد معظم علوم عقلی و عرفان نظری در دوران معاصر بوده است.

ایشان در هشتم دی‌ماه سال ۱۳۵۹ شمسی در شهر تون واقع در جنوب خراسان متولد شدند. پدرشان مرحوم ملا عبدالعظيم، واعظی اهل فضل و تقوا بود.

مرحوم علامه فاضل تونی ﷺ در سنين کودکی پدر را از دست داد، اما فقدان پدر که با فقر و تنگدستی نیز همراه بود، به هيچ وجه او را از راه تحصيل علم و سير کمال باز نداشت و در اراده او خللی وارد نکرد.

او در زادگاه خود، شهر تون - که امروز فردوس نام دارد - به تحصيل و فراگيري ادبيات عرب پرداخت و کتابهای البهجة المرضية، مغنی، و مقداری از مطول را به خوبی فراگرفت تا آنکه به سن هفده سالگی رسید؛ اما ديگر شهر کوچکی مانند تون جوابگوی شوق وافر و استعداد و آمادگی او برای ادامه تحصيل نبود؛ به همین دليل برای ادامه تحصيل علوم و معارف اسلامی راهی حوزه مشهد و روضه رضوی - عليه آلاف التحية والثناء - گردید.

در حوزه علمیه مشهد، تحصيل ادبيات را کامل کرد؛ سپس به فراگيري منطق، ریاضی و نجوم پرداخت. همچنین مقدمات علوم فقه و اصول را به خوبی فراگرفت.

با توجه به شوق فراگيري علوم و معارف عرشی که در قلب شريفش شعله‌ور بود، پس از شش سال اقامت در مشهد مقدس، به اصفهان هجرت نمود و در این شهر رحل اقامت افکند.

در آن زمان اصفهان مهد علم و دانش و مجمع اساتید علوم معقول و منقول بود. ایشان در اصفهان، با تنگدستی، محنت و غربت به تحصیل فلسفه و حکمت پرداخت و در همین حوزه، علم شریف فقه و اصول را نیز به کمال فراگرفت.

مرحوم علامه فاضل تونی رحمه الله همانند سایر طلاب زمان خویش، از نظر معیشتی در مضیقه و عسر به سر می برد تا جایی که گاه تا چند روز غذایی مختصر برای سدّ جوع نمی یافت و یا حدّ اکثر از نان و پیاز تجاوز نمی کرد! اما عزّت نفس، مناعت طبع، شوق به فراگیری علم و همت بلند او بود که باعث ثبات قدم در این راه پر ارزش می شد.

و از آنجا که سنت الهی، اجر جهادگران راه خدا را بی پاداش نمی گذارد و به حکم آیه شریفه: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۱)، «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»^(۲) و یَزُودْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ^(۳)، خداوند علیم اساتید بزرگ و راههای روشن را روزی ایشان فرمود.

آری! فقط نان و آب و مرکب و مسکن و ... رزق و روزی نیست، بلکه رزق و روزی بهتر و شریفتر عبارت است از: شوق به تحصیل، استاد الهی، هم مباحثه، رفیق راه، کتاب، مدرسه، تهذیب، تهجد، تفکر و ...

به هر حال خداوند سبحان نیاز و دعای حقیقی و باطنی و لسان استعداد آن مرحوم را بی پاسخ نگذاشت و ایشان از همان روزهای آغازین ورود به اصفهان، به حوزه درس حکمت و فلسفه حکیم الهی و فیلسوف ربّانی، مرحوم میرزا جهانگیر قشقایی راه یافت و به مدت شش سال با نظم و انضباط قابل تحسینی به فراگیری دوره کامل شرح منظومه حکیم سبزواری رحمه الله پرداخت.

مرحوم فاضل تونی رحمه الله همراه با مرحوم آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله در درسهای میرزا جهانگیر رحمه الله، همچنین درسهای عارف بی بدیل، مرحوم آخوند کاشی رحمه الله شرکت می کردند. علامه فاضل تونی، یازده سال در شهر اصفهان مقیم بود و به جز تحصیل، تهذیب، عبادت، ریاضت، تدریس و مطالعه به کار دیگری نپرداخت، چرا که علم و عمل برای او غایت و مطلوب بالذات بود.

مرحوم فاضل پس از یازده سال اقامت در اصفهان، به خراسان بازگشت اما پس از توقف کوتاهی، دوباره خراسان را به قصد اصفهان ترک نمود.

چون به تهران رسید، اطلاع یافت که عارف نامدار مرحوم آقا میرزا هاشم اشکوری رحمته از اعظم شاگردان عارف متأله آقا میرزا محمدرضا قمشه‌ای رحمته در مدرسه سپهسالار به تدریس کتاب شرح مفتاح الغیب در عرفان نظری پرداخته‌اند. از این رو برای کسب فیض و درک حضور جلسه نورانی و بهره گرفتن از محضر آن استاد فرزانه، به خدمت ایشان شتافت و از رفتن به اصفهان منصرف گشت.

مرحوم فاضل تونی رحمته با اینکه کتاب اسفار را در محضر مرحوم جهانگیرخان رحمته به خوبی فرا گرفته بود، مجدداً در درس اسفار مرحوم اشکوری رحمته نیز شرکت نمود. همچنین کتاب فصوص الحکم و تمهید القواعد را نزد همین استاد بزرگوار فرا گرفت.

پس از رحلت آقا میرزا هاشم اشکوری، علامه فاضل تونی عهده‌دار ادامه راه ایشان شد و با شوق و جدیت تمام، به تعلیم و تربیت طلاب و تدریس علوم عقلی و معارف ربوبی پرداخت و از جمله مشعل‌داران حکمت و عرفان در حوزه علمیه تهران گشت.

جلسات درس ایشان بسیار پر بار و آموزنده بود، وی مطالب را شمرده و با طمأنینه شرح می‌داد، مشکل‌ترین و پیچیده‌ترین مطالب را ساده و روشن بیان می‌کرد، درس خود را به آیات و احادیث و اشعار - مولوی، حافظ، شبستری، جامی و ... - می‌آراست و بیانش گاه با طنز و طبعیت همراه می‌شد. ایشان ضمن پرورش و تربیت نفوس مستعد در حوزه علمیه - به دعوت مسئولان محترم دانشگاه تهران - تدریس علوم و معارف اسلامی را در دانشگاه نیز آغاز کرد و محیط دانشگاه را به بیان احکام و معارف نورانی اسلام و کلمات و سخنان در بار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام روشن و مزین گردانید.

آری! در آن زمان حضور اساتید بزرگ و مردان الهی همچون مرحوم فاضل تونی، مرحوم استاد جلال‌الدین آشتیانی، آیت‌الله الهی قمشه‌ای، سیدالحکا آقا محمدکاظم عصار، استاد ابوالحسن شعرانی، شهید مطهری و ... و نشر معارف اسلامی و ترویج علوم قرآنی توسط آن بزرگواران، اثرات مثبت و برکات غیر قابل انکاری در جو دانشگاه به جا گذاشت که بعد از گذشتن نزدیک به نیم قرن، هنوز آثار علمی و تربیتی آن مشهود است، به طوری که در حال حاضر نیز گروهی از اساتید فرزانه دانشگاه، از پرورش یافتگان همان

دانشمندان بزرگ محسوب می‌شوند.

مرحوم استاد فاضل تونی رحمه الله علاوه بر تربیت شاگردان بزرگی همچون حکیم مستآله و مفسر نامدار قرآن، حضرت آیت‌الله جوادی آملی، علامه بزرگوار، حضرت آیت‌الله حسن زاده و شمار دیگری از بزرگان، دارای آثار قلمی معدودی نیز می‌باشند. ناگفته نماند که ایشان به خاطر عدم برخورداري از نعمت نگارش به زحمت قادر به نوشتن بودند؛ بنابراین آثار ایشان به املاي آن مرحوم است که دیگران عهده‌دار نوشتن و کتابت آن بوده‌اند. به هر حال این آثار عبارتند از:

۱- جزوهای درسی در صرف، که در آن به آیات قرآن و کلیات حکمت‌آمیز و اخلاقی استشهد فرموده‌اند.

۲- منطق، که شامل دوره‌ای مختصر از علم منطق است.

۳- الهیات، کتابی مختصر، رسا و روان در مباحث الهیات بمعنی الاخص است.

۴- حکمت قدیم، که در طبیعیات است.

۵- ترجمه و توضیح فنون سماع طبیعی کتاب شفا، که جناب آقای فروغی عهده‌دار کتابت، تنظیم و مرتب ساختن آن بودند.

۶- منتخب کلیله و دمنه و وفيات الاعیان.

۷- منتخب قرآن و نهج البلاغه، برای تدریس در مراکز آموزشی.

۸- تعلیقه بر شرح فصوص، تعلیقه‌ای مختصر، مفید، بسیار عالمانه و حاوی نکات عرشی و دقایق عرفانی و حقایق قرآنی است^(۱).

۱. کتاب فصوص الحکم، تألیف عارف نامدار، محی‌الدین عربی رحمه الله (۵۶۰-۶۳۸) از مهمترین کتابها در زمینه عرفان نظری می‌باشد. این کتاب از دقیق‌ترین و عمیق‌ترین متون درسی عرفان در حوزه‌های علمیه محسوب می‌شود. اما از آنجا که ذائقه و هاضمه علمی افراد اندکی پذیرش این مانده روحانی و مادیه معنوی را دارد، اساتید حکیم صلاح در این می‌بینند که این کتاب، پس از گذراندن ریاضتهای علمی و عملی و پیداشدن صفای باطن و طهارت قلب، برای افرادی معدود تدریس شود. مرحوم استاد شهید مطهری رحمه الله در اهمیت این کتاب و عمق و دقت آن فرموده‌اند: «در هر عصری شاید دوسه نفر بیشتر پیدا نشده باشند، که قادر به فهم این متن عمیق باشند».

یکی از شاخص‌ترین شارحان و مؤلفان در حوزه عرفان نظری و کرسی‌دار تدریس شرح فصوص الحکم محی‌الدین عربی در دوران معاصر، سید العارفین، حضرت امام خمینی رحمه الله می‌باشند. ایشان این کتاب را نزد

۹- رساله‌ای در مراتب خمس، که تقریرات درس عرفان مرحوم آقامیرزا هاشم اشکوری می‌باشد.

مرحوم علامه فاضل تونی رحمته با صرف عمری طولانی در کسب علم و عمل، دارای سجایای اخلاقی و ملکات روحانی زیادی بود و مراحل مختلف علوم معقول، منقول و عرفان را به کمال سپری کرده بودند.

ایشان به واسطه تربیت یافتن در مکتب اخلاقی و معرفتی اهل بیت علیهم السلام و پیروی از قرآن و عترت، به عالی‌ترین درجات علم و حکمت نایل شدند. از این رو در سایه شناخت و معرفت و ریاضتهای علمی و عملی، در وجود نورانی آن مرحوم ذره‌ای از کبر، خودبینی، متعلق، حب شهرت، دل‌بستگی به دنیا، وابستگی به مقام و دیگر آلودگی‌هایی که ابناء دنیا به آن گرفتارند، دیده نمی‌شد. بلکه با مجاهدات مستمر و مراقبت دائمی، نفس اماره را قلع و قمع کرده، قلب پاک خود را حرم خداوند نموده و از محبت و تعلق به غیر خالی کردند.

پاسبان حرم دل شده‌ام شب همه شب تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم
علامه بزرگوار فاضل تونی رحمته در زهد و تقوا و مواظبت بر فرایض و نوافل و تزکیه نفس

→ عارف نامدار، مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمدعلی شاه‌آبادی رحمته فرا گرفته‌اند. تعلیقات حضرت امام خمینی رحمته بر شرح فصوص قیصری از نفیس‌ترین آثار عرفانی در دوران اخیر می‌باشد.

مطالب عرفان نظری بسیار پیچیده و مشکل است و برای فهم آن باید محصلین و طالبان عرفان طی گذراندن مقدمات علمی، اینگونه مطالب را طبق سیره سلف صالح، نزد اساتید این فن قرائت کنند: «ره چنان رو که ره روان رفتند». آثار نفیس و کم نظیر و بی بدیلی مثل مثنوی مولانا، منطق الطیر عطار، اشعه اللمعات جامی، فصوص الحکم، مشارق الدراری، انسان کامل عارف محقق عبدالکریم جیلی و وسایل قیصری از جمله مهمترین متون در حوزه معارف ربوبی و حقایق قرآنی است، که باید آنها را به عنوان کتب درسی در نزد استاد متضلع و عارف متخصص فرا گرفت. در گذشته‌ای نه چندان دور این کتب عرفانی که حاوی حقایق قرآنی است، را طلاب مستعد و با ذوق در حوزه‌های علمیه به صورت درسی نزد اساتید بارع قرائت می‌کردند: سید محمد قطب‌الدین نیری، ملا محراب گیلانی، حاجی سبزواری، آیت‌الله شهید سید حسن مدرس، آقا میرزا مهدی آشتیانی، آقا سید علی قاضی و علمای بزرگ دیگری که هر کدام به منزله سلیمان و ابودر زمان خود بودند. در قرون متبادی اینگونه متون نفیس عرفانی را تدریس می‌کردند، چه اینکه اینگونه مطالب به منزله تفسیر انفسی آیات قرآن و جوامع روایی محسوب می‌شوند. بعضی از مشایخ اهل معرفت از مثنوی مولانا رحمته به عنوان تفسیر قرآن ملائی رومی، یاد می‌فرمودند. بگذریم از اینکه بعضی جهال مغرور در دنیا که نصیحتی از علم و عمل ندارند، اینگونه کتب نفیس را از وضعیت علمی و ملائی بیرون می‌آورند و با نسبت‌های ناروا به متصوفین از حیث انتفاع ساقط می‌کنند.

و کمک به مستمندان اهتمام فراوان داشت و به دنیا التفاتی نداشت - دارایی او خانه‌ای کوچک و چند قفسه کتاب بود - و همچنین با صبر و تلاش و مجاهدت پیگیر، چهره‌ای شاد و خرسند که حاکی از قلب پاک و نورانی ایشان بود، همراه با حلم، تقوا، قناعت، آزاد منشی، حفظ ساده زیستی، رعایت اخلاق و منش طلبگی، دلی سرشار از عاطفه، چشمی سرشار از اشک و قلبی رؤوف و مهربان، سالیان دراز با نشاط به تدریس، تعلیم، تربیت، تألیف، ترکیه نفس، بیان احکام شریعت مقدس و ترویج سنت نبوی ﷺ و مناقب اهل بیت ﷺ پرداخت، و سرانجام پس از عمری خدمت صادقانه و خالصانه، در بهمن ۱۳۳۹ در سن هشتاد و دو سالگی دعوت حق را لبیک گفت و از دار غرور به دار سرور و سرای جاوید شتافت.

شاگردان و دوستانش بدن پاک آن مرحوم را به قم آورده و پس از زیارت و طواف حرم مطهر دخت موسی بن جعفر علیه السلام در قبرستان شیخان به خاک سپردند، درود بر روان پاکش باد^(۱).

سیره علمی و عملی و ملکات و سجایای اخلاقی این استاد علامه و فاضل گرانمایه، از بهترین الگوها برای جامعه علمی و فرهنگی به خصوص حوزه و دانشگاه می‌باشد. متأسفانه به خاطر هجوم تفکرات مادی در بعد علمی و عملی، مراکز علمی و فرهنگی آن نشاط، گرمی، معنویت و عمق گذشته پر افتخار خود را ندارند. در روزگاری نه چندان دور شهر تهران دارای عمیق‌ترین و بزرگترین حوزه علوم عقلی و عرفانی بود. در طول حدود سه دهه در نیم قرن گذشته، صدها فقیه و مجتهد جامع، حکیم، فیلسوف، عارف و متخصص معارف عرشی در این شهر مشغول تدریس، تعلیم و تربیت بودند به طوری که بنا به قول مؤلف کتاب افضل التواریخ، تهران را شهر هزار حکیم می‌گفتند.

از استادان بزرگی که تنها از دهه ۳۰ تا ۵۰ در تهران مشغول افاضه و استفاضه بوده، و جلگی در علوم عقلی و نقلی و فضایل معنوی و روحانی، یگانه روزگار و وحید عصر

۱. شایان ذکر است که در تیه شرح حال مرحوم استاد فقید، آقای فاضل تونی رحمه الله از دو کتاب ارزشمند «مهر استاد» در سیره علمی و عملی حکیم متاله حضرت آیت الله جوادی آملی - مد ظله العالی - و در «آسمان معرفت» تألیف حضرت علامه آیت الله حسن زاده آملی - حفظه الله - و کتاب دانشنامه جهان اسلام (چاپ بنیاد دائرة المعارف اسلامی) استفاده کردیم.

بودند، می‌توان از مجتهدان، حکما و عرفای زیر نام برد:

- ۱- عارف حکیم و مجتهد فقیه، آیت‌الله آقا میرزا مهدی آشتیانی رحمته‌الله.
 - ۲- حکیم و فیلسوف متأله و فقیه نام آور، آیت‌الله سید ابوالحسن قزوینی رحمته‌الله.
 - ۳- فیلسوف و مجتهد عظیم الشأن، آیت‌الله سید محمدکاظم عصار تهرانی رحمته‌الله.
 - ۴- فقیه و فیلسوف متبحر، آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی آملی رحمته‌الله.
 - ۵- حکیم و مجتهد بارع، آیت‌الله میرزا احمد آشتیانی رحمته‌الله.
 - ۶- فیلسوف، متکلم و فقیه بزرگ، آیت‌الله شعرانی رحمته‌الله.
 - ۷- عارف و حکیم بزرگوار، آیت‌الله محمدفاضل تونی رحمته‌الله.
 - ۸- عارف نامدار و مجتهد عظیم الشأن، آیت‌الله العظمی شاه‌آبادی رحمته‌الله.
 - ۹- حکیم و عارف والا مقام، آیت‌الله مهدی الهی قمشه‌ای رحمته‌الله.
 - ۱۰- حکیم و فیلسوف بارع، آیت‌الله سید جلال‌الدین آشتیانی رحمته‌الله.
 - ۱۱- عارف و حکیم بزرگ، میرزا عبدالکریم تهرانی، معروف به روشن رحمته‌الله.
 - ۱۲- فیلسوف متأله و عارف کبیر، آیت‌الله آقا شیخ ابراهیم امام‌زاده زیدی رحمته‌الله و ...
- همچنین در پایان مناسب است یادى از عارف صمدانى و حکیم متأله، مرحوم آیت‌الله آقا محمدرضا ربّانی رحمته‌الله بناییم. عارف روشن ضمیر و وارسته‌ای که هیچ حیثیت زمینی نداشت، باران انفاس مسیحایی او دلهای مرده زمینیان را زنده می‌کرد و وجود کیمیایی او به هر جرم زنگ گرفته و معیوبی برخورد می‌کرد. آن را به طلا تبدیل می‌نمود. او به حقیقت سر سپرده ولایت و مست شراب علوی بود، هر کس با او می‌نشست ناخودآگاه از تعلق به زمین‌کنده می‌شد و آسمانی می‌گشت، زمانی که در محضر ملکوتی او می‌نشستی و رشحات شور آفرین برخاسته از قلب مبارک و آکنده از ذوق او فضای پیرامونش را پر می‌کرد و آنگاه که سر روحانی‌اش بی‌اختیار به جوش آمده، لبریز می‌شد و بر تو می‌ریخت، چنان از شراب ربانی سر مست می‌شدی که تا مدتها تو را نه عقل می‌ماند و نه هوش!

مرحوم عارف متأله، آقا محمدرضا ربّانی رحمته‌الله از تربیت شدگان مکتب حکمی و عرفانی تهران بود و نزد آیات عظام و اساتید گرام مرحوم آقا میرزا مهدی آشتیانی، مرحوم آقا سید محمدکاظم عصار، مرحوم آقا سید ابوالحسن قزوینی، مرحوم آقا میرزا مهدی الهی

قشه‌ای و دیگر بزرگان حکمت و عرفان، مراتب علمی و عملی خود را به کمال رسانده بود. ایشان در هفتم تیر ماه ۱۳۸۱ شمسی دعوت حق را لبیک گفت و به سلف صالح خود پیوست و در جوار مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی رحمته الله آرام گرفت.

مرحبا ای پیک فرخ فال ما	مرحبا ای مایه اقبال ما
مرحبا ای عنذلیب خوش نوا	فارغم کردی ز قید ماسوا
ای نواهای تونار مؤصده	زد به هر بندم هزار آتشکده
مرحبا ای هدهد شهر سبا	مرحبا ای پیک جانان مرحبا
مرحبا ای طوطی شکر شکن	قل فقد اذهبت عن قلبی الحزن
بازگو از نجد و از یاران نسجد	تا در و دیوار را آری به وجد
بازگو از زمزم و خیف و منا	وارهان دل از غم و جان از عنا
بازگو از مسکن و مأوی ما	بازگو از یار بی پروای ما
آن که از ما بی سبب افشاند دست	عهد را ببرید و پیمان را شکست
از زبان آن نگار تند خو	از پی تسکین دل حرفی بگو
یاد ایامی که با ما داشتی	گاه خشم از ناز و گاهی آشتی
ای خوش آن دوران که گاهی از کرم	در ره مهر و وفا می زد قدم

- رحم الله معشر الماضین - خداوند درجات عالی این بزرگواران را نزد خود متعالی بفرماید و حوزه‌های علمیه و طلاب علوم دینی و مراکز دانشگاهی را از انفاس نفیسه قدسیه ایشان برخوردار بنماید، از خداوند متعال عاجزانه درخواست می‌کنیم که حوزه‌های علمیه را از نظر علمی و عملی، در پناه خود حفظ بفرماید و به بالاترین درجات مجد و رونق برساند.

اما کتاب ارزشمندی که اینک به محضر دستداران علم و فلسفه و عرفان تقدیم می‌شود، مجموعه‌ای از آثار علامه فقید مرحوم آیت الله فاضل تونی رحمته الله است. مرحوم استاد با بیانی رسا و شیوا به تبیین و تفسیر مباحثی از شرح فصوص قیصری، الهیات، طبیعیات، منطق و مباحث عالی عرفان نظری پرداخته‌اند که در عین مختصر بودن،

بسیار مفید می‌باشد. ایشان بحثهای منطق، طبیعیات، الهیات و تعلیق بر شرح فصوص^(۱) را به زبان فارسی نگاشته‌اند؛ اما رساله موجز و عمیق مراتب خمس که تقریرات درس عارف نامدار، مرحوم میرزا هاشم اشکوری رحمته است را به زبان عربی نوشته‌اند.

ما در این مجموعه در کنار متن عربی تقریرات، ترجمه فارسی آن را نیز آوردیم. این ترجمه توسط دانشمند معظم و استاد محترم جناب حجة الاسلام آقای حمید پارسانیا انجام پذیرفته است. در اینجا لازم است از الطاف معظم له که با وجود کثرت اشتغالات حوزوی و دانشگاهی، زحمت این ترجمه را پذیرفتند کمال سپاسگزاری به عمل آید.

این مجموعه با تصحیح و تحقیق و تعلیق آقای وحید روح الله پور و جناب حجة الاسلام استاد مجید دستیاری به نتیجه رسید، خداوند توفیقات این بزرگواران را روز افزون فرماید. در پایان لازم به تذکر است، همانطور که قبلاً نیز یادآور شدیم، آثار علمی مرحوم علامه فقید آقای فاضل تونی رحمته، املائی ایشان است که شاگردان معظم له عهده دار تنظیم، تبویب و نگارش و کتابت آنها بوده‌اند، از این رو اگر احیاناً در تبیین بعضی مباحث کاستی و یا اغلاقی مشاهده شود: اولاً به خاطر پیچیده بودن ماهیت علوم عقلی است، و ثانیاً به علت قصور مقررین محترم در تبیین مباحث عمیق فلسفی و عرفانی می‌باشد. بدین وسیله ساحت علمی حضرت استاد را منزه و گرامی می‌داریم، و البته هر قصور و کوتاهی در ارائه مطالب را از ناحیه ما دانسته که به خاطر ضعف و قلت بضاعت علمی نتوانسته‌ایم در حد مطلوب آن را تصحیح و تنظیم کنیم. اما آنچه که به ما جسارت و جرأت وارد شدن در این حوزه فلسفی و معرفتی را داد، انگیزه خدمت گذاری فرهنگی و معنوی به جامعه اسلامی است.

امیدواریم که این خدمت ناچیز مقبول ساحت اقدس حضرت ولی الله الاعظم، قطب عالم امکان امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قرار بگیرد.

ای خدای بسی نظیر ایثار کن گوش را چون حلقه دادی زین سخن

۱. لازم به ذکر است، که شماره صفحه و سطر موضع متن در شرح فصوص الحکم قیصری بر اساس چاپ و نشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و با تصحیح و تعلیق حکیم متاّله سید جلال الدین آشتیانی رحمته می‌باشد، که با علامت اختصاری «ص» برای صفحه و «س» برای سطر، قبل از عبارات متن در داخل دو قلاب مشخص شده است.

گوش ماگیر و بدان مجلس کشان
چون به ما بویی رسانیدی از این
ای خدای پاک بی انباز و یار
یساده ما را سخنهای رفیق
هم دعا از تو اجابت هم ز تو
گر خطا گفتم اصلاحش تو کن
کیمیا داری که تبدیلش کنی
این چنین مینا گریها کار توست

که از رحیقت می خورند آن سرخوشان
سر میند آن مشک را ای رب دین
دست گیر و جرم ما را در گذار
که تو را رحم آورد آن ای رفیق
ایمنی از تو مهابت هم ز تو
مصلحتی تو ای تو سلطان سخن
گرچه جوی خون بود نیلش کنی
این چنین اکسیرها ز اسرار توست

اللهم اجعل عاقبة أمرنا محمودة حسنة سليمة

الهی عاقبت محمود گردان

۱۹ رمضان المبارک ۱۴۲۷

مهر ۱۳۸۵